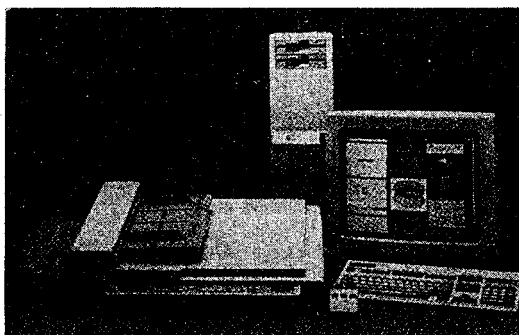




ابداع و تکامل اصطلاح علم اطلاع‌رسانی^۱

نوشته: فرد شاپیرو
ترجمه: علی مزینانی^۲



اصطلاحات بعدی در اوایل قرن حاضر ظهور کردند. در سال ۱۹۰۳ "پل اتلت"^۹ بنیانگذار بلژیکی انستیتوی بین‌المللی کتابشناسی اصطلاح دکومانتاسیون را مطرح و آن را چنین تعریف کرد: "فرآیند تهیه و عرضه مدارک برای جستجوکنندگان اطلاعات". اصطلاحی که وی ابداع کرده بود در دو مقاله انگلیسی زبان در سال ۱۹۰۸ ترجمه و پس از آن اصطلاح دکومانتاسیون رایج‌ترین اصطلاحی بود که برای کارهای کتابداری بکار برده می‌شد.

گروه بعدی اصطلاحات متکی بر واژه "اطلاعات" یا "اطلاع‌رسانی" هستند. در سال ۱۸۹۱ اصطلاح "میز اطلاع‌رسانی"^{۱۰} جایگزین اصطلاح "میز مرجع"^{۱۱} گردید. اصطلاح "دفتر اطلاع‌رسانی"^{۱۲} تا سال ۱۹۰۹ به دفتری اطلاق می‌شد که در آنجا خدمات مرجع ارائه می‌گردید. در سال ۱۹۲۴ انجمن کتابخانه‌های تخصصی و مراکز اطلاع‌رسانی انگلستان (اسلیب)^{۱۳} بنیانگزاری شد. در خلاصه مذاکرات

هر رشته علمی دارای اصطلاح‌شناسی خاص خود است که تحول و دگرگونی آن اهمیت زیادی در حیات آن رشته دارد. بنابراین تاریخچه اصطلاح‌شناسی هر رشته بخش اساسی تاریخ آن رشته به حساب می‌آید.

علم اطلاع‌رسانی تاکنون با چندین نام معرفی و ارائه شده است. کتابشناسی^۳، کتابداری^۴، علم کتابداری^۵، دکومانتاسیون^۶ (دبیزش)، بازایی اطلاعات^۷ و علم اطلاع‌رسانی^۸. این اصطلاحات تاکنون در حوزه کتابداری و زبان انگلیسی زیاد بکار برده شده است. در سه مقاله گذشته که در سال‌های ۱۹۸۴ a و ۱۹۸۴ b و ۱۹۸۹ ارائه شدند منشاء سه اصطلاح اول پیگیری شده است. خلاصه آن مقالات نشان می‌دهد که اصطلاح "کتابشناسی" اولین بار در سال ۱۸۰۲ میلادی ثبت و ضبط گردیده است. اصطلاح "کتابداری" در سال ۱۸۱۸ و "علم کتابداری" در سال ۱۸۵۱ اولین بار بکار برده شده‌اند.



کنفرانس اسلیب در سال ۱۹۳۲، اصطلاح "کارهای اطلاع رسانی"^{۱۴} برای توصیف مساعدت های مرجع بکار برده شد.

با توسعه و بکارگیری علم رایانه و تأثیری که بر این حوزه داشت، اصطلاح "اطلاع رسانی" جایگزین "مرجع" گردید. در سال ۱۹۵۰ "کالوین موئرز" اصطلاح "بازیابی اطلاعات" را ارائه کرد. این اصطلاح در دهه های ۵۰ و ۶۰ میلادی قرن حاضر کاملاً رایج بود.

در مرحله بعدی به اصطلاح "علم اطلاع رسانی" می رسیدیم. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد (OED) در تعریف این اصطلاح به مطلبی از پروفیسور "ساوول گورن" در سال ۱۹۶۰ ارجاع می دهد. وی در آن زمان رییس بخش برنامه های آموزشی علوم رایانه و اطلاع رسانی دانشگاه پنسیلوانیا بود. در همین فرهنگ متذکر می شود که اصطلاح "دانشمند اطلاع رسانی" اولین بار در سال ۱۹۵۸ بکار برده شده است. در این سال خبر افتتاح رسمی انستیتوی دانشمندان اطلاع رسانی در ۲۳ ژانویه سال ۱۹۵۸ در مجله "نیچر" شماره ۴ ژانویه ۱۹۵۸ درج گردید.

مورخان علم اطلاع رسانی تاکنون موفق نشده اند مشخص کنند که آیا قبل از این تاریخ این دو اصطلاح در فرهنگ آکسفورد بکار رفته یا نه. حتی در نوشته های دو اصطلاح شناس معتبر و مشهور علم اطلاع رسانی یعنی، ویش ۱۹۷۲، و شرایدر ۱۹۸۴ و در دیگر منابع مرجع تاریخی در زمینه اطلاع رسانی به چنین موردی یعنی کاربرد دو اصطلاح "علم اطلاع رسانی" و "دانشمند اطلاع رسانی" قبل از سال ۱۹۵۸ اشاره ای نشده است.

"جی ئی ال فارادین"^{۱۵} از لابراتوارهای تحقیقاتی "تیت ولایل"^{۱۶} در کستون ایالت کنت در ماه آگوست سال ۱۹۵۳ مقاله ای با عنوان "خدمات اطلاع رسانی در صنعت" در مجله "ریسرچ" منتشر کرد. در این مقاله "فارادین" اشاره می کند که شرکت های صنعتی بخش های اطلاع رسانی به وجود آورده اند که توسط کارشناسان ارشد اطلاع رسانی (افسران اطلاع رسانی) اداره می شوند. در این مقاله وی به جای کتابدار واژه اطلاع رسان را بکار می برد. وی در این مقاله کارشناسان ارشد اطلاع رسانی (افسران اطلاع رسانی) را چنین تعریف می کند:

"چنین فردی ضرورتاً دانشمند محقق است که در جمع آوری و اشاعه دانش تخصص دارد". وی در همان مقاله پیشنهاد می کند که شاید بهتر باشد به جای اصطلاح افسران اطلاع رسانی از "دانشمندان اطلاع رسانی" استفاده کنیم.

وی چنین ادامه می دهد: «در مقام مقایسه و مشابهت با دیگر اسامی مثل "شیمیدان محقق"^{۱۷} و غیره می توان عناوینی مثل "شیمیدان اطلاع رسان"^{۱۸} یا "مهندس اطلاع رسان"^{۱۹} را بکار برد». وی متذکر می شود منظور از یک دانشمند اطلاع رسان در زمینه فیزیک یا شیمی کسی است که اطلاعات را برای دانشمندان فیزیک یا شیمی ارائه می کند نه به عنوان یک دانشمند اطلاع رسان که دانشجویانی در زمینه اطلاع رسانی دارد.

در سال ۱۹۵۵ "فارادین" مقاله ای با عنوان "آموزش حرفه ای دانشمندان اطلاع رسانی" به کنفرانس بین المللی کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی ارائه کرد. وی در این مقاله چنین می نویسد: «اصطلاح دکومانتالیست (دبیزشکار) به دلایل متعددی حداقل در انگلیس چندان طرفدار پیدا نکرد، هم چنین اصطلاح کارشناسان ارشد اطلاع رسانی (افسران اطلاع رسانی) با وجود اینکه زیاد بکار برده می شود ولی معنای متفاوتی دارد، هم چنین از اصطلاحاتی استفاده می شود که در آن واژه کتابدار بکار برده شد مثل کتابدار تحقیقی و غیره که این امر موجب تداخل و اشتباه شده است. وی ادامه می دهد که بهتر است حداقل در انگلیس اصطلاح جدید و معینی برای آن تهیه شود. وی متذکر می شود که این امر در دیگر رشته های علمی مثل اقتصاد و علوم اجتماعی نیز انجام شده است. بنابراین اصطلاح دانشمند "اطلاع رسانی" و اشتقاق های آن مثل "شیمیدان اطلاع رسان" پیشنهاد می شوند، که در این مقاله نیز از آنها استفاده شده است. وی ادامه می دهد که شاید این اصطلاح حداقل در سطح قاره اروپا معادل و مترادف اصطلاح "دکومانتالیست" (دبیزشکار) بکار برده شود».

اینکه آیا فارادین در سال ۱۹۵۵ برداشت متفاوتی از اصطلاح دانشمند اطلاع رسانی دارد (در مقایسه با آنچه که در سال ۱۹۵۳ ارائه کرد) جای سؤال دارد. از موارد بالا ممکن

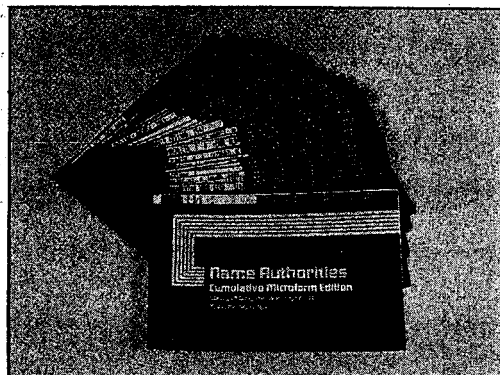


یادداشت‌ها

- 1- Shapiro, Fred, Coinage of the Term Information Science. In JASIS Vol 46 No 5, 1995, P 384-385.

۲- عضو هیأت علمی کتابخانه ملی

- 3- bibliography
- 4- librarianship
- 5- library science
- 6- documentation
- 7- information retrieval
- 8- information science
- 9- paul otlet
- 10- information desk
- 11- refrence desk
- 12- information bureau
- 13- Association of Special Libraries and Information Bureaux (ASLIB)
- 14- information works
- 15- J. E. L. Farradane
- 16- Tate & Lyle
- 17- research chemist
- 18- information chemist
- 19- information engineer



چنین برداشتی حاصل شود اما خود فارادین در همان مقاله چنین اظهارنظر می‌کند: «در انگلستان شرایط کتابدار شدن، عضویت در انجمن کتابداری و داشتن دیپلم از مدرسه کتابداری دانشگاه لندن است. چنین روشی را می‌توان به عنوان استاندارد برای دکوماتاسیون و علم اطلاع‌رسانی نیز بکار برد. یعنی عضو انجمن ALA و F.L.A بودن شرط اساسی برای اطلاق دانشمند اطلاع‌رسانی باشد».

در این نوشته خلاصه متوجه شدیم که اصطلاح علم اطلاع‌رسانی چه موقع ابداع و ظاهر شد. فارادین ابتدا با بکاربردن اصطلاح دانشمند اطلاع‌رسانی به عنوان متخصص اطلاع‌رسانی علمی، اصطلاح علم اطلاع‌رسانی را مطرح می‌سازد. وی علاوه بر اینکه یکی از بنیانگذاران علم اطلاع‌رسانی است هم چنین یکی از کسانی است که نامگذاری این علم را به عهده دارد.

منابع

- 1- Farradane, J.E.L. (1953). Information service in industry, Research, 6, 327-330.
- 2- Farradane, J.E.L. (1955). Professional education of information scientist. In congres international des bibliotheques et des centres de documentation (Vol, 2B, pp 76-81) The Hague: Martinus Nijhoff.
- 3- Mackiewicz, E. (1953). Education for special librarianship in Great Britain, Aslib proceedings, 5, 286-292.
- 4- Schrader, A.M. (1984). In Search of a name: Information science and its conceptual antecedents. Library and Information science Research, 6, 227-271.
- 5- Shapiro, F.R. Earlier uses of bibliography and related terms. Notes and Queries, n.s.31, 30-31.
- 6- Shapiro, F.R. (1948b) The name of our profession. Legal Refrence services Quarterly, 4 summer, 117-120.
- 7- Shapiro, F.R. (1989). Contributions to the history of Library terminology. Library Quarterly, 59, 95-115.
- 8- Wellish, H. (1972). From information science to information: